



۲۰۱۸/۰۱/۱۳



انجنیر- شیر سپایی

مروری بر کتاب کمیاب یا دست دوم سال انتشار 1350

از قلم: عبدالعظیم ولیان

پاکستان

تقریباً منبعی نیست که از بنیان تاریخی آن رخ داد (تجزیه هند) نوشته باشد که موجب پیدایش دولت پاکستان شد. گویی مقدر و قرار بوده است ناگهان پاکستان نیز همانند کویت که انگلستان در سال ۱۹۶۱ از عراق جدا کرد، از هند مجزا و مستقل شود! تنها استثنای در دسترس، همین کتاب ولیان بود که به گونه ای حیرت آور و هرچند مختصراً، به مبانی تولید کشور پاکستان پرداخته است.

چنین است که تصویر ولیان از سازش غاصبین انگلیس با روشنفکری هند علیه مسلمین، یک بیانیه ی تبلیغاتی و مظلوم سربازی متعصبانه نیست، حقیقتی است که با ملاحظه ی رفتار و گفتار نمونه هایی چون گاندی و نهرو و سرانجام آن که نابودی گروه های انسانی بسیار از مسلمین و اخراج طلب کارانه نیمی از مردم هند به بهانه اعطای استقلال بود، اثبات می شود.

«تنها گروهی که از آغاز با انگلیسی ها سر ستیز داشتند و همواره در دوران سلطه انگلستان بر شبه قاره هند به شیوه های گوناگون و نحوه های مختلف به طور آشکار و نهان با آن ها می جنگیدند، مسلمانان بودند و انگلیس ها هم از همان آغاز به خوبی می دانستند که این گروه با آنان سر آشتی نخواهند داشت و بنا بر این صلاح خود را در این دیدند که از طریق کمک و استمالت و تشویق و تطمیع هندوها مسلمانان را بکوبند... در این جا نقل قسمتی از بیانات یکی از فرمان رویان انگلیسی هند به نام لرد آلن برو، را می آورم که در سال ۱۸۴۳ صریحاً گفته بود: «مسلمانان به موجب طبیعت دین خود دشمن سرسخت ما هستند و بنا بر این ما باید رضایت هندوها را جلب کنیم». به این ترتیب انگلیسی ها از بدو ورود به شبه قاره هند مسلمانان را به انواع و اقسام تحت فشار قرار داده و در عوض با هندوها از در مسالمت و اتحاد درآمدند و همواره با تمام قدرت در تحبیب آن ها کوشیدند». (عبدالعظیم ولیان، پاکستان، ص ۶)

«هندوها روز به روز با برخورداری از حمایت و پشتیبانی بی دریغ انگلستان و کمک بی حد و حصر آنان، در کلیه ی شئون دولتی و ملی نضج گرفتند تا آن جا که دیگر به هیچ وجه مسلمانان را به حساب نمی آوردند و علناً با تمام خواسته های آنان مخالفت می کردند و آن قدر در این راه پیش رفتند که برای از میان بردن زبان اردو، که زبان رایج در میان مسلمین بود، نهضتی را به وجود آوردند تا از این راه با از بین رفتن این زبان، زبان انگلیسی و لهجه های هندی را جای گزین آن کنند». (عبدالعظیم ولیان، پاکستان، ص ۷)

«انگلیسی ها مصلحت را در این دیدند که مبارزان اصلاح طلب را به نوعی سرگرم کنند و با تشکیل جمعیتی که این اصلاح طلبان را گرد هم آورد، تا نظریات اصلاحی خود را بیان کنند، تا به اطلاع فرمان روای کل هندوستان برسد، روی موافق نشان دادند و به این ترتیب اولین پایه های حزب کنگره ملی با موافقت و کمک انگلستان گذارده شد». (عبدالعظیم ولیان، پاکستان، ص ۹)

«متفکر بزرگ اسلامی، علامه شهیر دکتر محمد اقبال، که در حقیقت تئورسین بزرگ مسلمانان هند به شمار می رفت، نخستین کسی بود که طرح ایجاد پاکستان مستقل را رسماً اعلام و در سال ۱۹۳۰ به ریاست کنفرانس سالانه مسلم لیگ

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: د لیکنيزې ښې پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

انتخاب شد و با لحن نافذ و موثری مسلمانان را به کشور مستقل پاکستان دعوت می کرد و پس از آن همواره در صدد یافتن شخص شایسته و لایقی بود که بتواند سکان کشتی شکسته مسلمانان هند را به دست گرفته و هدایت کند. اقبال در جست و جوی خود فرد مورد نظر را در قالب محمد علی جناح یافت که در آن زمان در انگلیس بود». (عبدالعظیم ولیان، پاکستان، ص ۱۰)

«پس از پایان جنگ جهانی دوم و اعلام موجودیت هند مستقل و وقایع خون آلود و هولناکی که در تاریخ ۱۶ اوت سال ۱۹۴۶ روی داد، کنگره ملی هند در روز سوم ژوئن سال ۱۹۴۷ موافقت خود را با قطع نامه مربوط به تقسیم شبه قاره به دو کشور هند و پاکستان اعلام کرد و بدین ترتیب سرانجام در سرزمینی که مذهب بیش از هر عامل دیگر موثر بود، و کلیه شئون جاری در ترازوی آن وزن می شد، مسلمانان موفق شدند برای حفظ حیات و موجودیت و سلامت و صیانت و بقای خود وطن مستقلی را به وجود آوردند». (عبدالعظیم ولیان، پاکستان، ص ۱۱)

«قریب ده میلیون از نفوس مسلمان هند در بدو تاسیس پاکستان سرزمین اجدادی خود را ترک و به عنوان مهاجر و پناهنده از ترس کشتار به دست هندوها که در آن ایام عداوت مخصوصی را نسبت به مسلمانان اعمال می کردند به کشور جدید التاسیس پاکستان مهاجرت کردند، که موجب بروز مشکلاتی برای دولت جدید پاکستان شد». (عبدالعظیم ولیان، پاکستان، ص ۹)

عبدالعظیم ولیان، (۱۳۰۴ - ۱۳۷۳) سیاستمدار - نظامی، ایران

ولیان در سالهای ۳۸ و ۳۹ به عنوان سرپرست هیاتهای فرهنگی و هنری ایران برای شرکت در مراسم تولد پادشاه افغانستان "محمدظاهر شاه" به افغانستان رفت. کتاب "کلیاتی از اوضاع سیاسی و اقتصادی و تاریخی افغانستان" را پس از این سفرها نوشت که در ۱۳۴۰ منتشر شد.

ولیان در سال ۱۳۳۷ با یک هیات نظامی ایران عازم پاکستان شد، این آشنایی در سرنوشت عبدالعظیم ولیان موثر بود. چون هم به او اجازه داد در درس پوهنتون لاهور و پنجاب شرکت کند. داکترولیان دوره ریاست اداره تا وزارت را در عصر رضا شاه پهلوی سریع پیمود.

د پانو شمیره: له 2 تر2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ